
تئوری تمدن در اسلام

و علل عقب ماندگی مسلمانان

تالیف:

دکتر حیدر پیر علیلو



نشر اختر

سر شناسه	: پیرعلیلو سهرن، حیدر، ۱۳۴۶ -
عنوان و پدیدآور	: تئوری تمدن در اسلام و علل عقب ماندگی مسلمانان / تالیف حیدر پیرعلیلو.
مشخصات نشر	: تبریز: اختر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۳۲۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۶۳۲-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۳۳۲ - ۳۴۰: همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع	: تمدن اسلامی
موضوع	: عقب ماندگی -- کشورهای اسلامی -- علل
موضوع	: اسلام -- تجدید حیات فکری
رده بندی کنگره	: DS۳۶/۸۵/۹ت۹ ۱۳۹۴
رده بندی دیویی	: ۹۰۹/۰۹۷۶۷۱
شماره کتابخانه ملی	: ۳۹۰۶۵۲۹۰



نشر اختر

تئوری تمدن در اسلام و علل عقب ماندگی مسلمانان

تالیف: دکتر حیدر پیرعلیلو

ناشر: نشر اختر / چاپ پرریان / صحافی امین

چاپ اول ۱۳۹۴ / ۳۲۰ صفحه / قطع وزیری / ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۶۳۲-۵

مرکز فروش: تبریز- اول خیابان طالقانی، روبروی مصلی، نشر اختر

تلفن: ۰۴۱-۳۵۵۵۳۹۳

قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان

مؤلف متولد ۱۳۴۶ شهر تبریز است که دارای دکترای تاریخ تمدن و ملل اسلامی است. کتاب حاضر در کنار کتاب‌های انقلاب امام خمینی (ره)، هویت و پیامدها - معرفی یاران ایرانی ائمه (ع) - نقش تبریز در پایتختی ایران و اقتدار تشیع و نکته‌های ناگفته از تاریخ آذربایجان، پنجمین اثر تألیفی اوست. علاوه بر وی دارای درجه دانشجوی علوم سیاسی از معاونت اساتید قم می‌باشد.

www.ketaboo.ir

فهرست

۹	پیشگفتار.....
۱۲	مقدمه:.....
۱۲	مفاهیم نظری تمدن:.....
۴۳	بخش اول: ۱- علوم انسانی (علوم مفهومی Conceptual sciences):.....
۴۴	الف) علم فقه:.....
۵۲	ب: علم تفسیر:.....
۵۳	ج: علم حدیث:.....
۵۵	د: ادبیات (صرف و نحو) و علم فرائض:.....
۵۶	ر: علم کلام:.....
۵۸	ز: عرفان و تصوف:.....
۶۳	ک: فلسفه:.....
۶۹	گ: علم تاریخ:.....
۷۲	م: تاریخ پزشکی:.....
۷۲	ل: فلسفه تاریخ:.....
۷۳	ی: جغرافیا:.....
۷۶	بخش اول: ۲- تمدن فرهنگی در اسلام:.....
۷۷	الف: اصلاح شیوه برده‌داری و زندگی برده‌گان:.....
۸۰	ب: اصلاح نگاه تحقیرآمیز به زن در دو بعد:.....

- ج: برخورد اسلام با زمین یا اهل کتاب: ۸۳
- د: موسیقی و ادبیات در اسلام: ۸۵
- ۱- ادبیات: ۸۵
- ۲- موسیقی ۹۰
- ذ: نویسندگی: ۹۴
- ساختار سیاسی و سازمان اداری اسلام: ۹۴
- الف: نظام اداری در عهد محمد (ص) و خلفای چهارگانه اولیه: ۹۴
- ب: نظام اداری یا دیوانها ۹۸
- مراکز علمی و تمدنی جهان در قبل از اسلام: ۱۱۲
- مراکز علمی تمدن اسلامی یا مراکز علمی بعد از اسلام: ۱۱۶
- بخش دوم: تمدن در عرصه علوم تجربی یا علوم غریبه: (علوم ابزاری: Instrumental Sciences) ۱۱۹
- ۱- علم خط: ۱۲۱
- ۲- علم ترجمه: ۱۲۲
- ۳- ریاضیات: ۱۲۷
- ۴- نجوم: ۱۳۲
- ۵- مکانیک: ۱۳۶
- ۶- فیزیک: ۱۳۷
- ۷- علوم زیستی: (شامل علم شیمی، علم پزشکی، علم داروشناسی، گیاه پزشکی و تاریخ بیمارستانها) ۱۳۸
- الف - علم شیمی: ۱۳۸
- ب - علم پزشکی: ۱۴۱
- ج - داروسازی (گیاه پزشکی): ۱۵۰

- د- بیمارستانها: ۱۵۱
- ۸- معماری ۱۵۳
- الف: مساجد: ۱۵۳
- ب: مدرسه (دانشگاهها): ۱۵۶
- ح: ساختمان کتابخانه‌ها ۱۵۷
- ج: شهرها: ۱۵۹
- د: قصرها: ۱۶۰
- ۹- هنر: ۱۶۱
- ۱۰- صنایع تولیدی مسلمانان ۱۶۶
- الف- آسیاب‌سازی: ۱۶۶
- ب- صنایع نساجی: ۱۶۶
- ج- لوازم خانگی: ۱۶۷
- د- صنایع فلزی: ۱۶۷
- ذ- صنعت کاغذسازی: ۱۶۸
- ر- صنعت کشتی‌سازی: ۱۶۸
- ز- سکه‌سازی: ۱۷۰
- ک- صنعت هواپیماسازی: ۱۷۱
- انتقال علوم اسلامی به اروپا و تاثیر آن در مغرب زمین: ۱۷۲
- علتهای عقب ماندگی مسلمانان: ۱۸۰
- بخش تصاویر ۱۹۸
- منابع ۳۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

گرچه گذشگان مسلمان سعی کرده‌اند تا نگذارند آنچه که مسلمانان در عرصه تمدن اسلامی ایجاد کرده‌اند، از بین برود که نماد عمده آن کتابهایی تحت عنوان فهرست‌ها، اخبارها و طبقات‌ها هستند، اما بیشترین نقش در معرفی تمدن اسلامی بعهده کسانی بوده است که مسیحی و اروپائی بودند.

که ویل دورانت از آمریکا با کتاب تاریخ تمدن، آدام متر از سوئیس با کتاب تمدن اسلامی قرن چهارم هجری - گوستاو لوبون از فرانسه با کتاب تمدن اسلام و عرب، جرجی زیدان مصری با کتاب تاریخ تمدن اسلام و فیلیپ حتی سوریه‌ای با کتاب تاریخ عرب، در این زمینه پیشقدم‌اند. جالب است که همه این پنج نفر مسیحی‌اند. هرچند در میان مسلمانان قدیمی غزالی م ۵۰۵ هـ با کتاب احیاء العلوم و ابن خلدون تونسلی م ۸۰۸ هـ با کتاب مقدمه العبر و ابن ندیم بغدادی م ۳۸۵ هـ که به وراق یعنی کتابدار و مجسم معروف بود و از نزدیکان خلیفه مکتفی به حساب می‌آمد (مسعودی، ۶۷۱/۲) با کتاب الفهرست، در این زمینه پرداخته‌ای داشته‌اند، اما کار علمی آنها یا در حوزه علوم انسانی بوده، یا در عرصه شناخت شناسی تمدن گسترده نبوده است.

در این میان جدیدترین و اثره‌های علمی که در عصر جدید در این زمینه راهگشا بوده است، کتاب تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران دکتر علی اکبر ولایتی و تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی تألیف دکتر فاطمه جان احمدی و تمدن اسلامی در عصر عباسیان تألیف

دکتر محمد کاظم مکی و کتاب تاریخ سیاسی اسلام دکتر حسن ابراهیم حسن است که در نوع خود مطالب ارزشمندی در خود جای داده‌اند.

کتابی که تحت عنوان تنوری تمدن در اسلام و علل عقب ماندگی مسلمانان ارائه می‌شود، در واقع از همه آثاری که عنوان شده، استفاده کرده است و در این فکر است که بتواند مبانی اساسی پیوند دین با تمدن را به نسل جوان تحصیل کرده و علاقه‌مند بنمایاند.

از زمانهای خیلی دور که وارد تحصیلات دانشگاهی در رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی شدم، در این فکر بودم که دنبال علتهای عقب ماندگی تاریخی مسلمانان باشم. جهت دستیابی به این معضل به این نتیجه رسیدم که شناخت مبانی تمدنی مسلمانان در صدر اسلام، خود یکی از راههای شناخت این مساله است. چرا که باید اول ثابت شود که مسلمانان پیشرفته بوده‌اند، بعد سراغ علتهای عقب ماندگی آن رفت.

متأسفانه وقتی در بیان علتهای عقب ماندگی در گذشته مسلمانان دقت می‌شود، می‌بینم امروزه دولت‌های غربی تمام همت خویش را در ادامه تکرار حوادث تلخ گذشته جهت عقب نگهداشتن مسلمانان دنبال می‌کنند. چنانکه تمام کشورهای اسلامی را به نحوی با زمینه‌های غلط سیاسی و فکری به جان هم انداخته‌اند که جنگ‌های داخلی در عراق، سوریه، یمن، افغانستان و مصر از این نمونه‌هاست. جالب این که همه این کشورها از مراکز عمده تمدنهای باستانی جهان هستند. غربی‌ها هر چند که قبلاً توانسته‌اند امپراتوری بزرگ ایران، امپراتوری عثمانی و در زمان نزدیک نیز کشور بزرگ اندونزی و کشور بزرگ سودان را تجزیه نمایند که همه این بلاها از سوی اروپای مسیحی به فرماندهی امپراتوری انگلیس و امپراتوری روسیه انجام گرفت. اگر این روند ادامه داشته باشد، ما رسالت تاریخی خود در احیای تمدن شکوهمند گذشته خود را به انجام نخواهیم رسانید. که امید است هوشمندی متفکران اسلامی مانع از ادامه چنین خسارت‌هایی به جهان اسلام شود که در قرن‌های آینده بتوان نقاط عطف تاریخی جدید در همبستگی مسلمین پیدا کرد تا زمینه تاریخی پیشرفت‌های علمی مسلمین را شاهد شویم. در هر صورت غرض اصلی از تألیف

تئوری تمدن و اسلام / ۱۱

این کتاب این است که معلوم شود تا میان دین و تمدن هیچ مغایرت و ضدیتی وجود ندارد و اینکه در نگاه به تمدن اسلامی و تمدن غرب، عوامل زیادی را باید کنار هم قرار داد.

حیدر پیرعلیلو

شهر تبریز، ۹۴/۳/۳

www.ketab.ir

مقدمه:

«هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»

(هود، آیه ۶۰)

اوست خدایی که شما را در زمین خلق کرد تا در آنجا تمدن ایجاد کنید.

مفاهیم نظری تمدن:

آنچه از کشفیات باستانی و متون تاریخی قدیم به دست آمده است، معلوم می‌کند که فقط نوع انسان در میان حیوانات موجود، اقدام به ایجاد تمدن* کرده است چرا که حیوانات دیگر گرچه قدرت محدودی برای ساخت خانه و یا حفر آن از دل خاک داشتند اما مثل انسان قدرت ترکیب تمدنی نداشته و موفق به ایجاد تمدن‌های ترکیبی و پیچیده نمی‌شوند و این نیز معلوم می‌شود که قدمت تمدن ایجادی توسط انسان، بیشتر از ده هزار سال نیست که مطابق یافته‌های باستان‌شناسی در یخبندان آخرین که دوازده هزار سال قبل از دنیا رخت برپست و زمین آماده زیست انسان شد.** که براساس پیام‌های وحی، معادل آمدن اولین انسان بر روی زمین است که در زبان دین به آدم(ع) معروف است و همین فرد است که همراه فرزندانش با حضور اولیه در شبه جزیره عربستان (عرفات و منی) و سپس مهاجرت

* تمدن واژه آرامی از ریشه مدیتا است که به معنی محل گرد آمدن است یعنی هر جا انسانها گرد آمدند آنجا آبادانی و ساخت و ساز خواهد بود. بر همین اساس هم اولین بار این تلفظ درباره شهر مدینه بکار رفته است که عرب‌ها و یهودی‌ها آنجا را که قبلاً یثرب نام داشت چون بخاطر نعمت آب آنجا گرد آمدند و آباد شد، مدینه نامیدند. حتی، تاریخ، ۱۳۲. قرآن هر دو لفظ را درباره این شهر بکار می‌برد. یثرب (احزاب، ۱۳)، مدینه (توبه، ۱۰۱).

** همان مرحله سینوزوئیک (Cenozoic) به معنی عصر جدید بعد از یخبندان است.

حداکثری به سرزمین میان رود (بین‌النهرین) در تأسیس و تولید اولین چرخه تمدنی نقش ایفا کرده‌اند. چرا که وجود آب در سرزمین بین‌النهرین که در زبان علمی به حوزه تمدن بابلی معروف است، علت ایجاد این تمدن بوده است که عمده‌ترین نماد آن ساخت اولین کشتی بزرگ توسط انسان پیغمبر، یعنی نوح (ع) است که حدوداً بین شش تا هفت هزار سال قبل می‌زیسته است که خود نوح (ع) نیز که از فرزندان آدم یعنی اولین انسان آمده بر روی زمین است، این پیوستگی انسانی و تمدنی را ثابت می‌کند که براساس یافته‌های جدید علمی، وی در میان مومری‌ها زندگی می‌کرده و از آن قوم بوده است.**

در این میان توضیح این نکته ضروری است که تمدن زائیده یک قوم و یک ملت به معنای خاص نیست و بلکه تمام انسان‌ها در هر کجای جهان بر پایه نعمت عقل خدادادی می‌توانند اگر مقدمات آن فراهم شود، تمدن ساز باشند. چنانکه قرآن در این باره میان هیچ یک از انسان‌ها از نژادها و دین‌های مختلف فرقی قائل نیست بلکه می‌فرماید: «وَأَن لَّیْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم، ۳۹) انسان حاصلی جز دسترنج خویش ندارد. اینجا می‌گوید انسان یعنی همه انسان‌ها به یک گروه یا قشر خاص از انسان‌ها یا دین دار و بی‌دین اشاره نمی‌کند. پس با این فرض تمدن از آن همه انسان‌هاست. این سخن بدین معنی است که یک قوم یا ملتی نمی‌تواند ادعا کند که تمامیت تمدن بشری از آن اوست و او بوده است که تمدن بشری را به تنهایی آفریده است. اما تجمع و تمرکز انسانی خود در کنار سایر عوامل ایجاد تمدن بیشترین سهم را در تمدن زائی ایجاد کرده است. چنانکه در جاهایی که آب یعنی اساسی‌ترین عنصر تمدن زائی و هوای مناسب زیستی و زمین مستعد بوده است، تمرکز انسانی بوده و هر جا تمرکز انسانی بیشتر به چشم می‌خورد، پایه‌های تمدن بشری نیز آنجاها

** یافته‌های جدید تمدنی نشان می‌دهند که سابقه تمدن زائی انسان بیشتر از ده هزار سال نیست و این مسأله اولاً ثابت می‌کند که انسان اولین همان کسی است که در زبان وحی آدم نامیده شده است و ثانیاً اینکه این موجود اگر قبل از آدم هم بوده، می‌توانسته با این خصوصیات عقلی تمدن ایجاد کند، در حالیکه سیر تمدنها نشانگر این موضوع نیست یعنی هیچ اثر تمدنی از انسانهای قبل از ما موجود نیست تا بتوان وجود آنها را نیز اثبات کرد.

بنا نهاده شده است. بر همین اساس اولین مراکز تمدن بشری را می‌توان در بین‌النهرین یا میان دو رود دجله و فرات در عراق کنونی جستجو کرد که به تمدن بین‌النهرین یا تمدن بابلی معروف است. و یا تمدنی که در شرق دور تحت عنوان تمدن چین در منطقه پانتوا در غرب رودخانه بزرگ زرد تأسیس شد و تمدن‌هایی که در کنار رودخانه گنگ تحت عنوان تمدن هند و رودخانه نیل تحت عنوان تمدن مصر و سوریه قدیم در کنار فرات شمالی ایجاد شدند.^۱ که در زبان وحی نیز بدانها اشاره شده است چنانکه ذکر نام بابل در قرآن اشاره به تمدن بین‌النهرین یا اولین تمدن بشری در عراق جنوبی امروزی است که می‌فرماید، «و ما انزلنا علی الملکین بابل و ھاروت و ماروت»^۲ و دو فرستاده ما ھاروت و ماروت بسوی اهل بابل بود. کلمه بابل در اصل به معنی باب ایلاه یا شهر خداوند است. کلمه ایلاه که لفظ سومری و آرامی است، همان اله عربی است که نشانگر اشتراک کلمات اولیه و قدیمی تمدن در میان انسانهاست. مثل کرب ایلاه که امروزه کربلا نامیده می‌شود و ارب ایلاه که اربیل نامیده می‌شود، احتمالاً کلمه ایلام نیز برگرفته از همین کلمه بوده است که در اصل ایلاه بوده و بعداً عیلام نامیده شده است. چرا که اولین تمدنی که بعد از تمدن اولیه انسانی بابل، در دنیا بوجود آمد، تمدن نزدیک در شمال شرقی بین‌النهرین است که تمدن ایلام نام دارد که ۷۰۰۰ سال قبل قدمت دارد و اثر برجسته تمدنی آن، معبد چغا زنبیل امروزی در نزدیکی شهر شوش است. وجود تمدنی بنام ایلاه در سوریه نیز که از تمدنهای قدیمی است، این نکته را اثبات می‌کند که در زبان خود ایلامی نیز این کلمه به معنی سرزمین خداست.^۳

تمدن بعدی که همزمان با پیغمبر آسمانی هود^۴ در شرق یمن امروزی شکل گرفته، که

^۱ - ذوالفقاری، تمدن چین، ص ۲.

^۲ - بقره، ۱۰۲.

^۳ - سوریه، تری دوترتی، ص ۲۶. ترجمه مهسا خلیلی و ایلام مهد اولیه تمدن ایرانی، مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی،

۱۳۸۶ ش.

^۴ - فجر، ۱-۲.

حدوداً پنج هزار و پانصد سال قبل بوده و در سرزمین احقاف یا همان حضر موت امروزی در کشور یمن و عربستان قرار دارد. بانی این تمدن شخصی بنام شداد بن عاد بوده است که کاخ آن ارم نام داشته و بر اثر نافرمانی امر خداوند، ویران شده است که از این قوم همراه قوم ثمود که پیغمبرشان صالح (ع) است و تمدن عصر فرعون در قرآن به عنوان ذی حجر یعنی کسانی که از سنگها در تمدن سازی استفاده می کردند، یاد شده است.^۱ «هل في ذلك قسم لذي حجر لم تر كيف فعل ربك بعاد ارم ذات العماد التي لم يخلق مثلها في البلاد» (فجر ۶-۲) اصحاب حجر یا عصر تمدن سنگی را دیدی که خداوند با قوم عاد و شهر ارم و کاخ آنها که مانند ی مثل آن نبود، بخاطر نافرمانی شان چه کرد؟ و آنها را هم با بادهای تند نابود کرد. اینها قومی بودند که خداوند آنها را با هیكل های تنومند آفریده بود که با متراژهای امروزی اندازه قد آنها به ۱ متر نیز می رسد، چنانکه در قرآن می فرماید: «أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ» ای قوم هود ما بعد از قوم نوح شمار را جانشین کردیم و بدنهایتان را تنومند قرار دادیم (اعراف، ۶۸ و مسعودی، ۲/۱-۴۰۱ و ۳۳). و آنها بواسطه همین درشت جسمی توانسته بودند کاخ های بلندی بسازند و خیال می کردند که هیچ بلانی و زلزله قدرت تخریب آنها ندارد و چون نافرمانی کردند، خدایی که این تنومندی را به آنها داده بود. آنها را بوسیله بادی های تند از میان برداشت «كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمٍ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ» (قمر، ۱۸ و ۱۹، فصلت ۱۵، الحاقه، ۶). تمدن بعدی که از تمدنهای عصر پارینه سنگی است و قرآن بدانها اشاره می کند، تمدن قوم ثمود است که در شصت کیلومتری شمال غربی شهر مدینه امروزی در عربستان سعودی قرار دارد که به مدینه صالح یا مداین صلاح معروف است که قرآن درباره آن می گوید: «و ثمود الذين جابوا الصخر بالواد» (فجر، ۸).

و قوم ثمود که از سنگ کاخها می ساختند. و در جای دیگر درباره این قوم که کمی بعدتر از قوم هود و حدود ۴۵۰۰ سال قبل می باشد، می فرماید: «و لقد کذب اصحابُ الحِجْرِ المرسلین و کانوا تحتون من الجبال بیوتا امنین فاخذتهم الصیحه مصبحین» اصحاب سنگ، پیغمبران را انکار کردند چرا که از سنگ خانه ساخته بودند و خیال می کردند از عذاب الهی در امانند. در حالیکه عذاب الهی آنها را از بین برد (حجر، ۸۰) و در سوره شعرا می فرماید: «اذ قال لهم اخوهم صالح الا تتقون و تحتون من الجبال بیوتا فارهین» (شعراء ۱۴۸ و ۱۴۹).

و زمانی صالح (ع) که از خودشان بود، به آنها گفت ایمان بیاورید اما آنها چون از کوهها خانه برای خود ساخته بودند، با غرور ایمان نیاوردند. که در ادامه می فرماید: «فاخذتهم الرجفة و هم فی دارهم جائنین» (اعراف ۷۸ و هود، ۶۷) آنها را با بادهای سمی هلاک کردیم.

احتمالاً خانه های روستایی سنگی کندوان در اطراف تبریز نیز همزمان با همین عهد پارینه سنگی انسانها ساخته شده است.

مورد بعدی تمدن سبا یا تمدن عصر ملکه بلقیس در یمن است. این تمدن بنام سبا بن یحشوب بن یعرب بن قحطان بن عامر بن شالخ بن ارفخشد بن سام بن نوح (ع) معروف است که بعد از ویرانی شهر بابل، این قوم را به سمت یمن هدایت کرد. که در منطقه سبا در صنعای امروزی و غرب آن قرار داشته است که نمونه آن تخت بلقیس است که قرآن از آن به عرش نام می برد. که آصف برخیا آنرا با خود به فرمان سلیمان (ع) به فلسطین برد. (آنا ایتیک به قبل ان یرتد الیک طرفک) آصف به سلیمان گفت: من تخت بلقیس را تا تو چشم به هم بزنی به تو می آورم (نمل، ۴۰) که در ادامه همین بحث، قرآن به مصادیق تمدن فنیقی یا سوریه ای نیز اشاره دارد. از تاریخ تمدن برمی آید که فنیقی ها بودند که حدود چهار هزار

سال پیش، شیشه را از سنگ سیلیس اختراع کردند.^۱ که سلیمان (ع) با بهره گیری از تمدن همین قوم که لبنان و سوریه و اردن و فلسطین را در اختیار داشتند، توانسته بود کاخی شیشه ای بسازد و از طریق این کار شگفت، بلقیس را به قدرت خدادای خود مبهوت کرد و او ایمان آورد:

«قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (نمل ۴۴) به بلقیس گفته شد در حیات قصر داخل شود، چون داخل شد. خیال کرد لباسش آبی و خیس می شود. چون از روی شیشه راه می رفت که زیر آن آب جریان داشت و چون شیشه را ندیده بود، لباسهایش را بالا زد تا خیس نشود و چون گفته شد که این شیشه است و آب زیر آن است، سر افکنده شد و به قدرت خدا که به سلیمان (ع) داده بود، در شگفت شده ایمان آورد.

تمدن بعدی عصر سنگی که قرآن به آن اشاره دارد، تمدن عصر فرعونهاست. «و فرعون ذی الاوتاد» (فجر، ۹) و فرعون که دارای وکدهای عظیم بود. و تد در لغت به معنای چیزهایی مانند کوه است. امروزه ثابت شده است که قرآن به عصر رامسیس دوم اشاره دارد که در ساختمان سازی بسیار معروف بود که فرعون زمان موسی (ع) بود.^{*} مصریها در این عهد توانسته بودند طریقه ساخت آجری محکم از گل پخته را به دست بیاورند که اولین بار در جهان ایلامیها از این آجر، معبد چغاز نبیل را ساخته بودند که به تمدن مصریها در عصر موسی (ع) که حدود ۳۲۰۰ سال قبل است، نیز شاید از آنجا نفوذ کرده است. چنانکه

^۱ - حنی، تاریخ، ۲۳۹.

* یافته های جدید علم باستان شناسی در جنوب سد اسوان و منطقه تیس قدیم که امروزه لوکسور نامیده می شود، ثابت می کند که فرعون ی بنام رامسیس دوم در ۱۲۸۰ سال قبل از میلاد، به ساخت بناهای بلند علاقه داشته است که از وی موجود است که تصاویر رامسیس دوم و نوشته های روی این بناهای بلند که کارناک نام داشته، و ۱۳۷ متر ارتفاع دارد، نام او را ثابت می کند و به همین جهت هم قرآن درباره فرعون زمان موسی (ع)، دو بار از وی بعنوان فرعون صاحب ساختمان های بلند یاد می کند (سوره فجر، آیه ۹ و سوره ص، ۱۲).

فرعون به وزیرش هامان گفت: «فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَّعَلِّي أَطْلُعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ» (قصص ۳۸) ای هامان از آجرهای پخته برای من کاخی بلند بساز تا به خدای موسی برسم و با او صحبت کنم که موسی را دروغگو می‌انگارم.

امروزه دو باب ساختمان بلند که در زمان رامسیس دوم ساخته شده است و در پنج هزار کیلومتری جنوب قاهره در کنار رود نیل و شهر تیس در کنار سد اسوان قرار دارد، از یادگارهای این دوره است که در هر دو ساختمان بلند مجسمه رامسیس دوم بر جلوی آنها ساخته شده است. که اولی معبد آمون است که امروزه به عربی معبد ابوسمبل گفته می‌شود و دومی در نزدیکی همین معبد، ساختمان کارناک است که بر اثر گذشت زمان، بسیاری از قسمت‌های آن زیر آب نیل فرو رفته‌اند.

در این بین قران به تمدن راه‌سازی یا بزرگ راه‌سازی (اتوبان) که دو قوم لوط و ایکه (شعیب ع) در کنار آن قرار داشتند، نیز اشاره دارد که این دو قوم در کنار بزرگراه عدن تا دمشق قرار داشتند و خداوند شهرهای آنها عموریه و معان را که کنار بحر المیت در اردن امروزی قرار داشته را نابود کرد. (حجر، ۷۸ و تاریخ انبیا ۱۳۳ و ۲۱۳)

در این میان پرداخت به تمدنهای عمومی نیز ضرورت دارد تا به تبیین بحث کمک کند. آنچه که در زوایای آثار باستان‌شناسی به دست می‌آید و تاریخ وحی نیز بدان کمک می‌کند مثل تورات و قرآن و بعضی وقتها انجیل. چرا که قدرت استدلال تاریخ بشر نوشته، بیشتر از دو هزار و پانصد سال نیست که موسسان آن هرودت - گزنفون و اکسیدس و توسیدس یونانی‌اند. چنین به دست می‌آید که اولین تمدن، تمدن بابل یا همان بین‌النهرین است که نماد عمده این تمدن، کشتی نوح (ع) است که قومی که سومریها نامیده می‌شوند، موسس آن بوده‌اند و به تقریب بین شش تا نه هزار سال قدمت دارد. تمدن بعدی که بین شش تا هفت هزار سال قدمت دارد، تمدنی است در شمال شرقی بین‌النهرین که به تمدن ایلامی معروف است که احتمالاً همان ایلاه بوده است که بعداً ایلام تلفظ شده است. نماد

عمده این تمدن، معبد چغاز نبیل است. این دو اولین تمدن‌های انسانی‌اند که بعدها در نقاط محدود دنیا تمدنهای متقارن و هم زمان بوجود می‌آیند. در این میان خط‌های بجا مانده نیز نشانگر تمدنهایی هستند که در عهد باستان بوجود آمده‌اند. چنانکه خطوط میخی سومری و ایلامی بعنوان اولین خط‌های ایجاد بشر در پنج هزار سال قبل، مبنای تمام تمدن‌های خطی‌اند که در نواحی ایران و سوریه و مصر و یمن بوجود آمده‌اند که به احتمال قوی کتاب آسمانی حضرت ابراهیم (ع) هم به این خط نوشته شده بوده است. چرا که ابراهیم (ع) خود از قوم هوریانی و کلدانی و یا به عبارتی بابلی و سومری است که چهار هزار سال قبل در منطقه بین‌النهرین به پیغمبری مبعوث و با نمرود پادشاه ظالم بابلی در افتاد.^۱ که کلمه صحف نام کتاب آسمانی ابراهیم (ع) آمده در قرآن ناظر به همین معناست. «انَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَنُوحٍ» (الاعلی، ۱۹-۱۸). همچنانکه تمدن چین و هند نیز برای خود خطوط مستقل نگارش که اساس هر تمدنی است، داشته‌اند. حتی ترکان نیز خط مخصوص تمدن خود را که به اویغوری معروف است و معرف تمدن آنها در آسیای میانه و شمال شرق ایران است، نیز داشته‌اند. خط‌ها به اندازه‌ای در ایجاد تمدن‌ها موثر بوده‌اند که باستان‌شناسان اولین عامل و فاکتور ارتباطی میان تمدن‌ها را همین خط‌ها دانسته‌اند که انسان‌ها می‌توانستند بوسیله آنها، هم اهداف قلبی خود را به نمایش بگذارند و هم ساختارهای تمدنی خود را به دیگر تمدن‌ها انتقال دهند (اولین تلفن انسانی). در این میان انسانها بعد از تمدنهای اولیه بابل و ایلام، کم‌کم با مبانی تمدن آشنا شده و توانستند بین پنج تا شش هزار سال قبل در نقاط مختلف دنیا از جمله چین و هند و ایران (شهر سوخته و تمدن تبرستان یا مازندران) و مصر به ایجاد تمدن‌های بزرگ پردازند که در نوع خود بی‌نظیر بوده است و از همین تمدن‌ها بود که تمدن عصر میانی ایجاد شد که نقش مستقیمی در تمدنهای جدید ایفاء کرد. چنانکه از همین تمدن‌ها، تمدن سوریه یا فنیقی‌ها در گستره

سوریه و لبنان و اردن و تمدن فلسطین در عهد داوود (ع) و سلیمان (ع) بوجود آمدند و تمدن‌هایی که از تأثیرات همین شهرهای جانب شرقی دریای مدیترانه و تمدن فرعونى مصر، در اروپای جنوبی از طریق جزیره قبرس به وجود آمدند که تمدن یونان و ایتالیا باشد که به تمدن روم یا رومن معروف شد که برگشته کلمه نورمن بود. یعنی مردان شمالی (North Man) که مخفف شده آن روم یا رومن است به فاصله کمی در جانب شرقی تمدن روم، تمدن آریایی‌ها در ایران، خود را نشان داد تا مساله به بروز و ظهور تمدنی انجامید که قرین و قوام با دین بود و عنوان تمدن اسلامی گرفت.

در این راستا تمدن شهر سوخته در منطقه سیستان و بلوچستان امروزی ایران و در کنار رودخانه هیرمند که در شصت و پنج کیلومتری شهر زابل به سوی جنوب یعنی زاهدان فعلی قرار دارد، اولین تمدن ثبت شده جهانی بعد از تمدن ایلام است که حدوداً شش هزار سال قدمت دارد. در این شهر اولین نمادهای تمدن فکری انسانی موج می‌زند که عبارتند از ساختمان‌های مجلل، شبکه فاضلاب منظم و جراحی‌های مغز و چشم و جمجمه و ابزار آلات پیشرفته جراحی. این تمدن یا به خاطر خشک شدن رودخانه هیرمند نابود شده است و یا به خاطر حمله تمدن مجاور شرقی‌اش موهنجودار یا تمدن هند. در هر حال علت دقیق این نامگذاری مشخص نشده است.^۱ که تمدن ایلامی و شهر سوخته در جغرافیای ایران بزرگ را قوم آریائی به ارث بردند، چنانکه عمده‌ترین نماد این تمدن، خط دین دبیره است که زرتشت با آن خط که رایج در سرزمین مادها بود، کتاب خود اوستا را نوشته بود.^۲

بعد از این تمدن می‌توان به تمدن هم‌جوار در شرق این منطقه یعنی به تمدن هند اشاره کرد که از یافته‌های باستان‌شناسی برمی‌آید که این کلمه مخفف موهنجودار یا موهندوداروست که در غرب رودخانه سند (هند) و در خاک هندوستان امروزی قرار

^۱ - روزنامه ایران. ۱۵ آذر سال ۱۳۹۳. گفتگو با دکتر محمد عنایت و مرتضوی.

^۲ - مسعودی، تنبیه، ۸۶.

دارد.^۱ به نظر می‌آید که چون تمدنهای قدیمی تمدنهای همسایه را که خطری برای بقای خود می‌دیدند، از بین می‌بردند. تمدن شهر سوخته ایرانی احتمالاً توسط همین تمدن از میان رفته باشد. تمدن موهندودار و خط امروزی هندی نشانه عمده تمدنی است که ملت‌های بنگالی، نپالی، تبتی، بوتانی، سریلانکائی و پنجابی نژاد، خط خود را از این تمدن گرفته‌اند.^۲ تمدن سوم در این راستا تمدن بزرگ چین یا شرقی‌ترین تمدن جهان است که همزمان با تمدن هند خود را در دره یانگ تسه که رودخانه زرد نیز به چینی به همین نام است، تشکیل شده است که امروزه این مکان روستای پانتو نامیده می‌شود که حدود شش هزار سال قدمت دارد. این تمدن در سال ۱۹۲۱ م کشف گردیده است که اثر برجسته‌اش، خط چینی است که تمام ملت‌های شرق دور یعنی کره‌ای‌ها، مالائیها، ژاپنی‌ها و فیلیپینی‌ها، نژاد و خط خود را از این تمدن گرفته‌اند. نماد عمده و ماندگار و جهانی این تمدن، دیوار بزرگ چین است که حدود سه هزار سال قدمت و شش هزار کیلومتر طول دارد.^۳

پس همانطور که گفته شد بخش ایجاد تمدن از آن موجود انسانی است که بواسطه نیروی عقل خویش، هر کجا قدم گذاشته خلاصه‌ای از تمدن و پیشرفت را به یادگار گذاشته است. حتی امروزه زندگی عقب‌مانده‌ترین انسان در آفریقای زیر صحرا و آمریکای لاتین و شرق دور نیز نشان می‌دهد که آنها هم بهره‌و حطی از تمدن را دارند و در مقایسه با ملت‌های متمدن، عقب‌مانده حساب می‌شوند و نه اینکه اصلاً نتواند هیچ اثر تمدنی ایجاد کنند.^۴

و این فرق عمده انسان با حیوانات است. گرچه حیوانات نیز دارای نیروی فهم هستند

^۱ - هند باستان، ناردو، ص ۱۸.

^۲ - هند باستان، دادن ناردو، ص ۱۸، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه

^۳ - چین باستان، علی ذوالفقاری، ۸ و ۲

^۴ لازم به تذکر است که تنها اثر باستانی در آفریقای زیر صحرا سنگی تصویردار در کنار رودخانه زامبزی است که سه هزار سال قدمت دارد و این مسأله نظر کسانی را که پیدایی انسانهای اولیه را از آفریقا می‌دانند، رد می‌کند چرا که نسل انسانی با قدرت عقل هر کجا رفته از همان اول اثر تمدنی ایجاد کرده است.

اما نیروی عقل آنها به آن اندازه نیست که بتوانند تمدن ترکیبی ایجاد کنند. حیوانات برای خود در حد ابتدایی لانه می‌سازند، برای حفظ گروه خود در برابر حملات دیگران، نگهبان می‌گذارند. اما نیروی عقل آنها فراگیر نیست هرچند زندگی مورچه‌ها و زنبور عسل خود دارای شگفتی‌های زیادی است و یا شمپانزه‌ها که تا حد استفاده از چوب دستی جهت رسیدن به غذاهای لای درختان و جاهای بلند اقدام می‌کنند.

وجود این نیرو در همه انسان‌ها به قدری واضح است که در هر گوشه‌ای از جهان که پای انسان‌ها بدانجا رسیده، وضعیت تغییر یافته در آن محیط‌ها توسط انسان‌ها به اثبات رسیده است. چرا که نوع انسانی با نیروی عقل با تحول در جامعه سازگارتر است چنانکه رودکی نیز در این باره می‌گوید:

تا جهان بود از سر آدم فراز / کس نبود از راه دانش بی‌نیاز
مردمان به خرد اندر هر زمان / راز دانش را به هر گونه زبان
گرم کردند و گرمی داشتند / تا به سنگ اندر همی می‌نگاشتند
دانش اندر دل چراغ روشن است / و ز همه بد بر تن تو جوشن است^۱

به همین علت است که خداوند در قرآن علت برانگیختن و آفرینش این موجود عاقل در روی زمین را ساخت و ساز و ایجاد تمدن در این کره خاکی معرفی می‌کند. چرا که تمام عناصر سازنده تمدن انسانی در جوهره خاک وجود دارد یعنی عناصر ۱۱۵ گانه شیمیایی از آهن و مس و تخته گرفته که در قرآن بدان‌ها اشاره شده است تا دیگر منابع معدنی و به این جهت است که در قرآن فرمود:

«هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود، آیه ۶۰)

و به همین علت خداوند از تمدن‌های باستانی در کره زمین نام می‌برد تا بفهماند که هم این امتیاز مخصوص یک ملت نیست و هم این انسان‌ها از دل منابع موجود در زمین این آثار

تمدنی را آفریده‌اند.^{*} اختصاص نام سوره‌هایی از قرآن به نام تمدن‌های قدیم به اثبات این موضوع می‌پردازد که سورم روم (یونان و ایتالیای قدیم)^{**}، سوره سبا یا تمدن یمن قدیم در غرب و سوره احقاف یا تمدن یمن شرقی در ایام حضرت هود (ع) - سوره حجر (یا تمدن پارینه سنگی عهد صالح (ع)) و اشارات دیگر بنام‌های ذی‌القرنین در سوره کهف که به احتمالی یادآور تمدن ایرانی در عهد کوروش هخامنشی است و اشاره به هنر ساختمانی شداد در عهد هود (ع) با آیه (ارم ذات العماد)^۱ و فراعنه مصر با آیه (و فرعون ذی الاتواد)^۲ و اشاره به کلمه مصر که نمادهای تمدن انسانی در میان غیردینداران است. اما در مورد تمدن و ایجاد آن در میان دین‌داران نیز اشاراتی دارد که نشان می‌دهد که از نظر خداوند هیچ منافات و تضادی میان تمدن و دین وجود ندارد که هیچ، بلکه دین خود ایجاد کننده تمدن است که مصادیق این بحث عبارتند از:

۱- اشاره به ساخت خانه کعبه: (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ)^۳ از معنی این آیه فهمیده می‌شود که اولین انسان یعنی آدم (ع) اولین سازنده خانه‌ای بود که مخصوص تمام بشر است و خود نمادی از اولین تمدن بشری است. مخصوصاً که از آیه بعد فهمیده می‌شود که ابراهیم (ع) به ساخت مجدد و تعمیر آن اقدام کرده است که احتمالاً طوفان نوح (ع) موجب خرابی آن خانه شده بوده است. آنجا که

* بطور مثال، توماس ادیسون در ۱۸۷۹ م در واقع روشنایی حاصل از سوختن که در سنگ شکستن قرار دارد، را به داخل حباب انداخت و نیروی برق اختراع شد که خداوند از ابتداء خاصیت روشنایی دادن به سنگ تنگستن را در طبیعت قرار داده بود و ادیسون بر روی داده‌های خدائی، این اختراع را انجام داد (پالچین، ۱۹۵).

** لازم به یادآوری است که از نظر خداوند تمدن روم با یونان مسیحی از نظر محتوای فرهنگی بر تمدن ایران اواخر دوران ساسانی که زرتشتی بودند، رجحان داشت که شکست ایران ساسانی از رومی‌ها موجب خوشحالی مسلمانان می‌شود (قرآن،

سوره روم، آیه ۱).

۱- قرآن، فجر، ۷.

۲- فجر، ۱۰ و یوسف ۹۹ و زخرف، ۵۱.

۳- آل عمران، ۹۶.

قرآن می‌فرماید: (وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ)^۱ یعنی یاد آر زمانی را که ابراهیم (ع) به کمک پسرش اسماعیل (ع) دیوارهای کعبه را بالا برد.

۲- ساخت کشتی توسط نوح (ع): نوح (ع) را که مورخین با نام سومری‌اش اوت نیشتم یعنی کسی که طوفان راه انداخت، می‌شناسند از اولین کسانی است که در عرصه تمدن بشری قدم برداشته است. چرا که علم تاریخ از زوایای علم باستان‌شناسی به رگه‌های از شناخت علمی از زندگی نوح (ع) رسیده است که وحی آسمانی نیز در کتاب‌های مقدس تورات و قرآن وجود وی و کار تمدنی او را اثبات می‌کنند. به علاوه از این موضوع تلاقی و پیوستگی دین با تمدن نیز روشن می‌شود که خداوند خود دستور می‌دهد تا نوح (ع) به ساخت کشتی اقدام کند (وَاجْعَلْ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِّينَا وَلَا تَخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ)^۲ و به نوح (ع) وحی کردیم تا کشتی را زیر نظر ما و طبق وحی ما بسازد. جالب این است که خداوند مواد سازنده کشتی را نیز در اختیار نوح (ع) قرار می‌دهد. (وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ الْأَوَاحِ وَدُسْرٍ)^۳ و نوح و یارانش را با کشتی‌ای که از تخته‌ها و میخ‌های چوبی ساخته شده بود، حمل کرده و از طوفان نجات دادیم. دُسر میخ تخته‌هایی است که مصری‌های باستان نیز بدین وسیله کشتی‌های خود را به هم متصل می‌کردند. لازم به توضیح است که یافته‌های جدید تصاویر ماهواره‌ها نشان می‌دهند که این کشتی در زیر توده‌ای خاک در کوه آزارات یا آناتولی که قرآن از آنجا بنام جودی یاد می‌کند^۴ مدفون است و تنها علت عدم استخراج آن، این است که گمان می‌رود اگر این کار انجام شود، تمام کشتی در برخورد با هوای آزاد از بین برود.

۳- مورد سوم تمدن ایجاد توسط داود (ع) و پسرش سلیمان (ع) در سرزمین فلسطین

^۱ - بقره، ۱۲۷.

^۲ - هود، ۳۷.

^۳ - قمر، ۱۲.

^۴ - هود، ۲۴ (وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودَى).

است که بواسطه حمایت‌های پرودگار آنها توانستند در پناه همین تمدن که ارزانی و هدیه خداوند به آنها بود، امپراتوری بزرگی را در کل شبه جزیره عربستان و سوریه و عراق و فلسطین تشکیل دهند.

در مورد داود (ع) که هم عصر ستمگری بنام جالوت بود و برتری سپاه او، داود (ع) را می‌ترساند، می‌فرماید: (وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَاللَّنَّا لَهُ الْحَدِيدَ. أُنِ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ) و آهن سخت را به دست او نرم گردانیدم و به او دستور دادم از آهن زره بساز و حلقه‌های زره را یک شکل کن تا بدن شما را در برابر ابزار نظامی جالوت حفظ کند. (سبا ۱۱-۱۰).

این موضوع علاوه از اینکه سنخیت کامل میان دین و تمدن را به اثبات می‌رساند، مطابقت این آیه با آنچه در تاریخ تمدن جهان، عصر آهن و گذر از عصر پارینه سنگی بشر نیز نامیده می‌شود را، نیز نشان می‌دهد. وجود داود (ع) که حدود سه هزار سال قبل می‌زیسته است، این هماهنگی را اثبات می‌کند. در آیه بعدی علاوه از اینکه آهن نرم را در اختیار داود (ع) قرار می‌دهد، به وی نحوه و چگونگی ساخت لباس زره را نیز یاد می‌دهد که بتوانند با آن سلاح‌ها با سپاه جالوت که مشرک بودند و اسلحه و ابزار جنگی پیشرفته‌ای داشتند، مبارزه کند و چنین نیز شد. عَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ (انبیاء آیه ۸۰) و ما به داود (ع) صنعت ساخت لباس‌های زره را یاد دادیم که پیروز هم شدند.

و در دنباله آیه به مسلمانان نیز دستور می‌دهد تا آنها نیز از لباس‌های زره در جنگ‌ها استفاده کنند تا بدن آنها را در برابر ضربات شمشیر مشرکان حفظ کند. (لَكُمْ لِنُخَصِّنْكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ) تا شما نیز با استفاده از آن لباس از دشمنان در امان باشید (انبیاء، ۸۰)

این هماهنگی در دوره بعد یعنی دوره سلیمان (ع) که پسر و جانشین داود (ع) است، نیز مشاهده می‌شود چنانکه درباره علت قدرتمندی حکومت سلیمان (ع) می‌فرماید:

(وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَل بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ، ... يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَّخَارِبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ) (سباء، ۱۳-۱۲)

و معدن مس گداخته را بر او جاری گردانیدیم و جن‌ها را در اختیار او قرار دادیم تا از آن مس گداخته با فرمان من، برای او کاخ و معبد و دیگ‌های بزرگ و حوض آب بسازند. این پدر و پسر در واقع با این حمایت‌های آسمانی، در کنار ایجاد نمادهای تمدنی توانستند به ساخت مسجدالاقصی نیز موفق شوند که قبلاً بتکده اقوام فلسطین بود. قبل از این دو، موسی (ع) صخره‌ای در آنجا قرار داد و آنجا را قبله بنی‌اسرائیل کرد که بعداً داود (ع) و سلیمان (ع) مسجد را بر گرد این صخره ساختند. چنانکه قرآن می‌فرماید که: "و جن‌ها را در تسخیر سلیمان (ع) قرار دادیم که بناهای بزرگ برای او می‌ساختند که بصورت اشاره به ساخت این مسجد دلالت دارد" شهر بیت المقدس به زبان رومی، ایلیاء نام دارد و مسجد آن مسجد ایلیاء نام داشت که چون قرآن در سوره بنی‌اسرائیل از آنجا به عنوان مسجد الاقصی نام برد، به تبرک آن شهر نیز بیت المقدس نامیده شد. پس مسجد بودن آن به هزاران سال قبل برمی گردد^۱ که بعداً این مسجد را عبدالملک مروان جهت ممانعت مردم از رفتن به زیارت کعبه، به محل زیارت مردم شام تبدیل کرد و توسعه داد و بر روی آن قبه‌ای ساخت و پرده‌های زیبا بر آن نهاد. و بدین جهت این مسجد را قبه الصخره یعنی جایی که پیغمبر اسلام در رفتن به معراج پا روی آن سنگ نهاد، نام داده‌اند.^۲ که نافرمانی قوم بنی‌اسرائیل از موسی (ع) در ورود به این شهر که اورشلیم نامیدند، این مساله را ناتمام

^۱ - جان ناس، همان، ۱-۵۰۰ و قرآن، ص ۲۷ (والشیا طین کل بناء و غواص) و کتاب دوم تواریخ، تلمود، ۷-۵ نقل از عبادت در ادیان ابراهیمی، دکتر عباس اشرفی.

^۲ - دینوری ۴۶ و قرآن، سوره بنی‌اسرائیل، آیهی «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» و اوست خدایی که محمد(ص) را در شب معراج از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی که مبارک است سیر داد تا آیات را آنجا ببیند که خداوند آگاه و شنواست و مسعودی، ۳۰۶/۱.

^۳ - یعقوبی، ۲/ ۲۰۵ و ابن بطوطه، سفرنامه، ۳۳-۲۹.

گذاشته بود.^۱

حتی خداوند وسیله‌ای پرسرعت نیز که در میان مردم به قالیچه سلیمان معروف است، در راستای تعلیم تمدن ساخت هواپیما در اختیار سلیمان (ع) قرار می‌دهد تا وی بتواند با آن وسیله به تمام مملکت وسیع خویش، هر روز سرکشی کند که در یک روز به مقدار دوماه راه معمولی انسان‌ها با آن وسیله حرکت می‌کرد «وَلَسُلَيْمَانَ الرِّيحُ غَدُوَهَا شَهْرٌ وَرَوَّاحُهَا شَهْرٌ» و برای سلیمان وسیله‌ای که با باد حرکت می‌کرد، قرار دادیم که صبح‌ها به اندازه یک ماه و بعداز ظهرها نیز به اندازه یک ماه پیاده‌روی انسان‌ها با آن حرکت می‌کرد. (سباء، ۱۱).

مورد بعدی مطابقت دین و صنعت و جریان صنعتی شدن انسان به تعلیم خداوند مربوط است به شخصی که در قرآن با لقب ذی‌القرنین معروف است که به احتمال زیاد وی کوروش پسر کامبوز هخامنشی است تا اسکندر پسر فیلیپ مقدونیه‌ای * م ۳۲۳ ق م، چرا که اولاً اسکندر مقدونی شاگرد ارسطو، مشرک و بت پرست بود و خداوند از بت پرست تمجید نمی‌کند. چرا که دین مسیحیت از سال ۱۵۰ میلادی وارد اروپا شده است و قبل از آن اروپائیان مشرک بودند. در حالیکه کوروش هخامنشی زرتشتی بود. که قرآن اصل دین زرتشتی را دین توحیدی می‌داند (سوره حج، آیه ۱۷). در حالیکه اسکندر به لحاظ زمانی پانصد سال قبل از ورود مسیحیت به اروپا می‌زیسته است که وی در سال ۳۲۳ قبل از میلاد مرده است و مشرک بوده است.^۲ ثانیاً محل سدّ یاجوج و ماجوج آمده در این آیه نشان می‌دهد که او کوروش هخامنشی است که در نقطه انتهایی سرزمین ایران و در گذرگاه کوه‌های قفقاز قرار دارد که امروزه این سد که همچنان موجود است، در فارسی به شهر دربند و در ترکی به دیمیرقاپی یا درآهنی معروف است که باعث می‌شد تا قبائل وحشی

^۱ - قرآن، بقره، ۵۷ (و اذقلنا ادخلوا هذه القرية)

* اسکندر مقدونی پسر فیلیپ شاگرد ارسطو بود چنانکه در فتح هند از ارسطو نظرخواهی کرد. (مبعودی، تنبیه، ۱۸۲، ۱۷).

^۲ - جرجی زیدان، ۵۳۹ و ۱۲۳، مسعودی ۳/۱-۲۸۲، جان ناس ۳۰-۶۲۷ و زرین کوب، ایران قبل از اسلام، ۱۰-۲۰۷.

اسلاوی (روس و مجار) نتوانند از آنسوی قفقاز به داخل سرزمین‌های ایران و مردم آن حمله کنند. مخصوصاً که رودخانه‌ای نیز در نزدیکی این شهر است که به رودخانه گُر یا همان کوروش قدیم معروف است و این مساله را تقویت می‌کند. به علاوه در قرآن ذی‌القرنین به اقیانوس اطلس رفته است (کهف، ۸۵) که اسکندر به آنجا نرفته است. و این کوروش بود که یهودیان را که تنها انسان‌های مومن به پروردگار در زمان خود بودند، را از دست ظلم بخت‌النصر یا نبوکدنصر که به فرمان لهراسب ایرانی و قبل از زرتشت پیغمبر، آنها را اسیر کرده و در ۵۳۸ ق م به بابل برده بود، نجات داد و از این جهت بایسته بود که مورد تمجید پروردگار قرار گیرد که خود کوروش زردتشتی مذهب بود.^۱ و بالاخره اینکه حتی اسکندر بغیر از شرائط یاد شده در برابر فساد و تباهی خود در فتح هند حتی مورد توبیخ استاد خود ارسطو قرار می‌گیرد (مسعودی، تنبیه، ۱۸۲).

در آیه ذی‌القرنین آمده است که وقتی مردم این منطقه از ذی‌القرنین خواستند تا آنها را در برابر اقوام وحشی شمال حفاظت کند، وی در جواب آنها گفت:

«أَتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ أَتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا» (کهف، ۷-۹۶)

و گفت قطعات آهن را بیاورید و دستور داد تا پی کنده و از پی‌ها با سنگ و آهن دیواری بسازند و سپس مس را با آتش گداخته و بصورت علامت در دیوار بکار گیرند که اقوام وحشی نتوانند از آن بالا آمده و آنرا سوراخ کنند.

بعد در دنباله آیه پس از اتمام کار از زبان ذی‌القرنین می‌گوید: «هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي» (کهف، ۹۸) یعنی این کار در اثر تعلیم و رحمت پروردگار من بود که به شما چنین خدمتی انجام دادم.

جان ناس. تاریخ ادیان، ۳۵-۵۲۷ و ۴۶۶ و ایران قبل از اسلام، زرین کوب، ۱۲۴ و دینوری، ۴۸. در کتاب دانیال نبی،

ذی‌القرنین با لفظ صاحب دوشاخ قوج همان کوروش هخامنشی است، (۲۰/۸).